



✦ دکتر محمدآمین ریاحی

سال شمار زندگی

فردوسی

ودوین شاهنامه

یادداشت سردبیر

امسال بزرگ‌ترین و گسترده‌ترین مراسم بزرگداشت فردوسی و شناخت شاهنامه در ۵۵ کشور جهان از ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۳ برگزار شد. ماهنامه‌ی حافظ به روان پاک فردوسی درود می‌فرستد و به سهم خود در راستای بزرگداشت این شاعر بزرگ ملی ایران و حماسه‌سرای نامدار جهان می‌کوشد و به همین منظور در این شماره دو مقاله در خصوص تاریخ آغاز و انجام نظم شاهنامه از دو استاد نامدار به خوانندگان تقدیم می‌کند.

و باز در پاره‌ای از نسخه‌های خطی، در همان خاتمه، بیت دیگری هست که به دلایلی که خواهیم گفت در اصیل بودن آن هیچ تردید نباید کرد، حتا به اسناد کهنه‌ترین اشاره خواهد شد که نشان خواهد داد اصالت این بیت گمشده بر آن دو بیت مشهور می‌چربد و آن بیت این است:

دو ده سال و پنج اندرین شد مرا

همه عمر رنج اندر این شد مرا
از طرف دیگر، فردوسی آن خاتمه را با ذکر ۶۵ سالگی خود آغاز می‌کند: «چو بگذشت سال از برم شصت و پنج». چند بیت پایین‌تر سخن از ۷۱ سالگی شاعر است: «چو سال اندر آمد به هفتاد و یک» و بلافاصله هم می‌خوانیم: «کنون عمر نزدیک هشتاد شد».

اکنون چه نتیجه‌ای از این بیت‌های متناقض می‌توان گرفت؟ فردوسی برای زنده

کتاب به نام او است، مورد تأمل و دقت قرار گیرد، تناقض‌های ظاهری به کلی از میان می‌رود و تصویر روشن و دقیقی از مراحل تکامل و تدوین شاهنامه و سال‌های عمر شاعر به دست می‌آید.

سرودن شاهنامه چند سال طول کشیده است؟

درباره‌ی این‌که فردوسی چند سال از عمر را صرف ایجاد شاهکار جاودانی خویش کرده است، در شاهنامه اشاره‌های مختلف و به‌ظاهر متناقضی به چشم می‌خورد؛ هر ایرانی این بیت معروف را از خاتمه‌ی کتاب به یاد دارد:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی^۲
اما در همان خاتمه این بیت هم هست:

سی و پنج سال از سرای سپنج

بسی رنج بردم به امید گنج...^۳

□ درباره‌ی تاریخ تولد فردوسی و آغاز نظم کتاب و مدت زمانی که شاعر صرف کار عظیم خود کرده و تدوین‌های مختلف آن، نظرهای گوناگونی اظهار شده و غالباً هر نظری حاصل شتاب‌زدگی و توأم با شک و تردید بوده است و این حدس‌های آمیخته به تردید و ابهام از راه کتاب‌های درسی در ذهن جوانان از دبستان تا دانشگاه نیز جای می‌گیرد.^۱ به نظر من، اگر مجموع اشاراتی که در سراسر شاهنامه پراکنده است، به‌صورت یک مجموعه‌ی کلی نگریسته شود و مخصوصاً قطعه‌ی پایان کتاب درباره‌ی تاریخ انجام نظم آن که در صورت تصحیح بر مبنای دست‌نویس‌های معتبر کهن صراحت و وضوح کامل دارد، توأم با قطعه‌ی پایان جنگ یازده‌رخ که گزارشی از تاریخچه‌ی نظم کتاب و جلوس محمود و تصمیم شاعر به پیوستن (یعنی بازگشتن)

کردن عجم، با شاهکار خویش چند سال رنج برده است؟ ۳۵، ۳۰ سال یا ۲۵ سال؟ مقارن با پایان نظم شاهنامه، او چند ساله بوده است، ۶۵ ساله، ۷۱ ساله یا نزدیک به هشتاد سالگی؟ از آن میان تقارن ذکر هشتاد سالگی شاعر و مصراع «ز هجرت شده پنج هشتاد بار» نزد خاص و عام معروفیت بیش تری یافته و موجب شده است که اکثر پژوهندگان تولد شاعر را در حدود ۳۲۰ دانسته‌اند، نولده که نیز همین نتیجه را گرفته و مرحوم فروغی هم به این نتیجه رسیده است^۴ و چون هزاره‌ی فردوسی در سال‌های نخست وزیری و به ریاست او برگزار شد، نظری در انتخاب سال جشن نیز موثر بود. در این اواخر با این که تقریباً سال ۳۲۹ برای تولد فردوسی پذیرفته شده است، اما نظری نولده که و فروغی هنوز طرفدارانی دارد، و هلموت ریتر ناچار در مقاله‌ای که ترجمه‌ی آن در مجله‌ی **سیمرغ** انتشار یافت با ذکر خلاصه‌ی این تحقیقات نتیجه می‌گیرد که «مسأله‌ی سال شماری را بر مبنای معلومات موجود در نسخه‌های شاهنامه نمی‌توان حل کرد»^۵.

در این جا قبل از هر چیز، ذکر این نکته را لازم می‌دانم که به نظر من بیت‌های محتوی تاریخ‌ها و سال‌هایی که در نسخه‌های مختلف شاهنامه آمده و اساس تحقیق دانشمندان قرار گرفته است - غیر از سنه‌ی اشتباه‌انگیز ۳۸۹ که به اشتباه ۶۸۹ ذکر شده - بدون هیچ گونه تردیدی همه از آن فردوسی است و باید پذیرفت که هیچ کاتبی نفعی در سرودن بیتی متضمن تاریخ‌های ختم کتاب، یا اشاره به سن و سال شاعر نمی‌توانست داشته باشد. زیرا در نتیجه‌ی بررسی‌های دقیق، امروز این نتیجه حاصل شده است که تصرف‌ها، تحریف‌ها و الحاق‌ها در موارد خاص و معینی است: یا کاتب به سائقه‌ی احساسات مذهبی خود ابیاتی را کم و زیاد کرده یا در وصف رزم‌ها،

بزم‌ها، عشق‌ها و بیان احساسات پهلوانان و پادشاهان و نتیجه‌گیری از حادثه‌ها، ذوق و اندیشه‌ی خود را به کار انداخته است، یا به منظور مفصل تر کردن کتاب و نزدیک تر کردن آن به رقم ۶۰ هزار بیت و کامل تر کردن دست‌نوشته خویش و بالا بردن ارزش مادی آن، قطعاتی ساخته یا از کتاب‌های دیگر بدان افزوده است. بنابراین، جعل بیتی خشک و بی‌روح متضمن یک تاریخ یا سال، هیچ انگیزه و سودی برای هیچ کاتبی نمی‌توانست داشته باشد.

از میان آن همه ارقام هم، فرض ۶۵ سالگی یا ۸۰ سالگی فردوسی در سال «پنج هشتاد بار» اشتباهی است که هیچ محقق‌ی را به نتیجه‌ی قانع‌کننده‌ای نرسانیده است.

۵۸ سالگی شاعر

به نظر من کلید معمای سال شماری زندگی فردوسی را تقارن ۵۷ یا ۵۸ سالگی او با آغاز به قدرت رسیدن محمود باید دانست. به این نکته‌ی مهم اول بار ملاحظه کرد و سال تولد فردوسی را به صورت قطعی در سال ۳۲۹ تعیین کرد. ولی بسیاری از پژوهندگان بعدی بی‌توجه از کنار آن گذشته و اگر اشاره‌ای بدان کرده‌اند، فقط برای اثبات تناقض منابع بوده است. ۶۵ سالگی شاعر، سرفصل مهمی در سرنوشت شاهنامه است که بدان خواهیم رسید. هر یک از سال‌های دیگر، یک‌بار و بی‌هیچ توضیحی در بیتی می‌گذرد. اما ۵۸ سالگی سه بار و هر بار با شرح روشن‌کننده‌ای می‌آید:

از آن پس که بنمود پنجاه و هشت

به سر بر فراوان شگفتی گذشت

چو برداشتم جام پنجاه و هشت

نگیرم به جز یاد تابوت و طشت

این بیت‌ها که جداجدا در اول و آخر

داستان سیاوش آمده، وصف حال شاعر در

حین نظم داستان است و این کنج کاوی را

برمی‌انگیزد که در آن سن و سال چه

شگفتی‌ها بر سر او گذشته و چرا جز به یاد تابوت و طشت نبوده است؟ آیا این بیان تأثر شاعر از برفتادن خاندان ایرانی سامانی است، یا تصویر روحی او در برابر از دست رفتن خواسته و دارایی او در نتیجه‌ی جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها و حادثه‌های سیاسی و نظامی آن روز، یا به‌طور ساده انعکاس تحولات جسمانی شاعر از پیری و بیماری است که می‌گوید:

به جای عنانم عصا داد سال

پراکنده شد مال و برگشت حال

از این‌ها مهم‌تر ذکر ۵۸ سالگی شاعر در قطعه‌ای در پایان جنگ بزرگ کیخسرو است که به نظر من قطعاً آن را بعدها، حتماً بعد از ۶۵ سالگی سروده و در آغاز یکی از مجلدات چندگانه‌ی شاهنامه جای داده است.

در این قطعه که فردوسی داستان نظم شاهنامه و تصمیم خود را در بازبستن آن به نام محمود بیان می‌کند و مکمل مقدمه و خاتمه‌ی کتاب است چنین می‌خوانیم:

بدان‌گه که بُد سال پنجاه و هشت

(در بعضی نسخ: پنجاه و هفت)

نوان تر شدم چون جوانی گذشت

(در بعضی نسخ: جوانی برفت)

فریدون بیدار دل زنده شد

زمین و زمان پیش او بنده شد...^{۱۴}

این ۵۸ یا ۵۷ سالگی فردوسی، همان‌طور که نخستین بار ملاحظه استنباط کرده، ولی محققان بزرگ بعدی از آن غفلت کرده‌اند، بی‌تردید مقارن با سال ۳۸۷ بوده است که محمود با مرگ پدرش کوشش برای رسیدن به سلطنت را آغاز کرد و به این ترتیب تولد فردوسی را به‌طور قطع در سال ۳۲۹ یا ۳۳۰ هـ. (۹۴۱ م.) باید دانست و هر جای دیگری را که شاعر از سن و سال خود یاد می‌کند باید با این سال سنجید.

تردید محققان در این که آیا این حادثه، مرگ سبکتگین و آغاز کوشش محمود برای رسیدن به پادشاهی در سال ۳۸۷ است، یا

جلوس محمود در ۳۸۹ موردی ندارد. زیرا این بیت را شاعر لااقل هفت سال بعد (در ۶۵ سالگی) سروده - وقتی که آب‌ها از آسیاب افتاده و مدت‌ها بود که محمود به سلطنت نشسته بود - و این شرط کمال مدح است که با تأیید پادشاهی او بلافاصله بعد از مرگ پدرش، بر حق بودن جانشینی او را تأیید کرده و فرمانروایی متزلزل برادرش اسماعیل را نادیده گرفته باشد.

نخستین تدوین شاهنامه

البته نخستین تدوین شاهنامه سه سال پیش از آن، در ۳۸۴ ه. ق. پایان گرفته بود و آن نسخه به قرآینی که خواهیم گفت به‌طور قطع در حدود سال ۳۷۰ ه. ق. (نه آن‌سان که حدس زده‌اند در ۳۶۵) آغاز شده بود.

شناخت قطعی مشوق فردوسی، آن «مہتر گردنفرز» را در سرودن شاهنامه مرهون پژوهش‌های آقای دکتر جلال خالقی مطلق هستیم، که گفته‌اند: او منصور بن محمد، پسر پهلوان دهقان نژاد ابومنصور محمد بن عبدالرزاق سپهسالار خراسان بوده که در قیامی بر ضد سامانیان در ۳۷۷ ه. ق. در نیشابور اسیر و به بخارا برده شده است. به‌نظر من ستایش حسرت‌آمیز فردوسی از آن جوان‌مرد بیدار روشن‌روان در دیباچه‌ی شاهنامه یادگار همان تدوین اول است.

مرحوم محیط طباطبایی هم ضمن مقاله‌ای در مجله‌ی **گوهر** با تأیید نتیجه‌گیری‌های دکتر خالقی، و افزودن این نکته که نام او در بیش‌تر دست‌نویس‌های شاهنامه و مقدمه‌های آن به‌صورت امیرک منصور آمده، پایان کار آن مہتر گردنفرز را هم روشن کرده است که از ۳۷۷ تا ۳۸۸ ه. ق. در زندان سبکتکین پدر محمود به اسیری گذراند و سرانجام در زندان گردیز به دستور سبکتکین همراه ابوعلی سیمجور کشته شد. مرحوم محیط این حدس به‌جا را هم زده‌اند که ظاهراً آن «مهربان دوست»

هم که نسخه‌ی خطی شاهنامه‌ی منثور را در اختیار فردوسی نهاد، همین منصور پسر ابومنصور عبدالرزاق است که خود بانی جمع‌آوری شاهنامه‌ی منثور بود و قطعاً نسخه‌ای از آن در خانواده و نزد پسرش باقی مانده بود.

اول بار نولدکه به‌وجود سال ۳۸۴ ه. ق. به‌عنوان سال پایان نظم کتاب در ترجمه‌ی عربی بنداری از شاهنامه و چهار نسخه‌ی خطی برخورد، اما آن را چنان مهم نشمرد که در متن نوشته‌ی خود بیاورد بلکه در حاشیه بدان اشاره کرد. بعد از او هم معروفیت سال ۴۰۰ ه. ق. به‌عنوان تاریخ انجام شاهنامه و استدلال به این که شاهنامه به نام محمود سروده شده و در سال ۳۸۴ ه. ق. هنوز محمود کسی نبوده، موجب شده است که بعضی محققان (خصوصاً آن‌هایی که حاضر نبوده‌اند این افتخار از محمود گرفته شود) در آن تردید کرده‌اند. ولی اینک با پیدا شدن نسخه‌های کهنی شامل ابیات محتوی تاریخ (که ۱۶ نسخه از آن‌ها در فهرست‌ها و نوشته‌های محققان شناسانده شده است) تردیدی در اصالت تاریخ ۳۸۴ ه. ق. و انجام یافتن نخستین تدوین شاهنامه در آن سال نباید داشت. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- تاریخ تولد فردوسی را نولدکه ۳۲۰ ق.، هانری ماسه بین ۳۲۰ تا ۳۲۳ ق.، رییکا بین ۳۲۰ تا ۳۲۴، فروزانفر بین ۳۲۳ تا ۳۲۹، سعید نفیسی در ۳۲۳ و مینوی بین ۳۲۵ تا ۳۲۹، محیط طباطبایی بین ۳۱۸ تا ۳۲۰ و ذبیح‌الله صفا ۳۲۵ یا ۳۲۶ گفته‌اند.
- ۲- اگرچه این بیت در نسخه‌های کهن موجود نیست، ولی چون مفاد آن در ترجمه‌ی بنداری وجود دارد، نباید آن را الحاقی بشماریم.
- ۳- **شاهنامه**، چاپ بروخیم، ج ۹، ص ۳۰۱۷، بیت ۸۶۴.
- ۴- فروغی، محمدعلی، «مقام ارجمند فردوسی»، سخنرانی در دارالمعلمین، اول بهمن ۱۳۱۲.
- ۵- هلموت ریتر، شاهنامه و فردوسی، ترجمه افسانه ریاحی، سیمرغ، صص ۳۷-۴۶.
- ۶- برگرفته از محمدامین ریاحی، **سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی**، چاپ دوم، صص ۳۶-۳۸.

کلید معمای سال‌شماری زندگی فردوسی را تقارن ۵۷ یا ۵۸ سالگی او با آغاز به قدرت رسیدن محمود باید دانست.